

تأثیر تجدد بر سازمان فضایی شهر تهران در اواخر دوره قاجار

سید ابوالحسن ریاضی^۱

استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۵/۱۰

چکیده

فضا تجلی اندیشه بشری است. از تحلیل آن می‌توان به شیوه زندگی و نحوه نگاه انسان به جهان پی برد؛ از این رو سیر تکوین اندیشه جوامع انسانی در قالب تحلیل تباینات فضایی و تغییرات کالبدی قابل درک است. بی‌تردید مدرنیته به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اندیشه بشری، مبدأ تغییرات بسیاری در تمامی عرصه‌ها و شئون زندگی بشر بوده است. تکوین مدرنیته به مدرنیسم و مدرنیزاسیون طی سه قرن اخیر چهره جهان را دگرگون ساخته است. در این میان فضاهای شهری بیش از پیش و به شکلی آشکار متأثر از این تغییر نگرش هم پاسخگوی نیازهای جدید گردیده‌اند و هم خود نیازهای جدیدی برای انسان مدرن خلق کرده‌اند. تعامل میان تغییرات فکری و تأثیرات فضایی اندیشه بشری در بسیاری از شهرهای اروپایی مورد بررسی قرار گرفته است، اما بررسی این مهم در ایران و به‌ویژه تهران هدف اصلی مقاله محسوب می‌شود. بر اساس مطالعات انجام گرفته و با ابتناء به فرضیه محوری یعنی تقدم اندیشه بر ساختارهای فضایی، به صراحت می‌توان ادعا نمود تحولات سازمان فضایی تهران از این قاعده مستثنی نیست. ورود اندیشه تجدد به ایران از اواخر دوره قاجار تأثیر زیادی بر سازمان فضایی تهران گذاشت. تهران پایتخت قاجاریه از رهگذر این اندیشه شاهد شبکه جدید روابط شهری، کارکردهای نوین در عرصه تعاملات و صورت‌بندی جدیدی از فضاهای کالبدی گردید. علاوه بر تغییر در این اشکال ظاهری، تهران اواخر قاجاریه آبستن تحولاتی در حوزه اجتماعی بود که در نهایت با انقلاب مشروطه به بار نشست. فهم بسیاری از تغییرات کالبدی و تحولات فضایی شتابانی که در دوره کوتاه پهلوی اول رخ نمود، بدون ریشه‌یابی و درک روشنی از دگرگونی‌های اواخر دوره قاجار ناممکن به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: اندیشه و فضا، تجدد، تهران ریخت‌شناسی شهر، شهر.

مقدمه و طرح مسئله

یکی از مشکلات اساسی در مطالعات شهری و بازتاب‌های فضای نوگرایی، کم‌توجهی به شناخت صحیح یا حتی وارونه از مدرنیسم است. نبود چنین دقتی در تفاوت میان مدرنیته، مدرنیسم و مدرنیزاسیون موجب می‌گردد که احکام و عوارض این حوزه‌ها به یکدیگر نسبت داده شود و در شناخت واقعیت جابه‌جایی صورت گیرد. آنچه در زادگاه مدرنیسم در غرب صورت گرفت، طی مراحل گوناگون از تولد تا تحقق بود. در غرب نخست فرهنگ و تمدن موجود به عنوان سنت و مفهومی کهنه کمرنگ شد و در پی آن زمینه‌های تحولی بنیادین در نحوه نگرش انسان غربی به جهان هستی، انسان، دین، ماهیت وجود، علم به وجود آورد. بدین طریق بود که تمامی شئون نظری، عملی، معیشتی و حیات اجتماعی انسان غربی دگرگون شد.

آنچه در موضوع شهر و نسبت آن با مدرنیسم قابل ذکر است، تحول کارکردها، تغییرات مورفولوژی شهر، جایگاه متفاوت انسان ساکن شهر و تولد مفهوم شهروند، حاکمیت روابط و پیوندهای نوین میان انسان‌ها نظیر حاکمیت پول با مفهوم نوین آن ناشی از تحولات عرصه اندیشه و غیره است؛ چنانکه در سنت جامعه‌شناسی کلاسیک ماکس وبر سازمان سرمایه‌داری عقلانی کار آزاد را زمینه فعال شدن سازمان صنعتی و در نتیجه دوره «نو» را با ماقبل آن در جدایی محل تجارت و سکونت طبقه‌بندی می‌کند؛ به دیگر سخن، شهر به عنوان نماد اندیشه بشری همواره بازتاب نوع تفکر انسان و نحوه نگرش او به جهان هستی است، لذا با تکیه بر بازتاب‌های فضایی می‌توان اندیشه حاکم بر انسان ساکن در شهر را بازشناخت، چنانکه متناسب با نوع تفکر حاکم بر شهروندان می‌توان شهر را تحلیل فضایی نمود. بر این اساس با تکیه بر نظر مورخان در مورد مدرنیسم در ایران و ابتناء آن در اواخر دوره قاجار و نیز تمرکز قاجار و تحولات فضایی آن در تهران به عنوان پایتخت، تلاش این مقاله بر تجلی تفکر مدرن در میان اندیشمندان، سیاست‌مداران و تصمیم‌گیرندگان سال‌های پایانی دوره قاجار و پیوند این تغییر نگرش با ساختارهای شهری تهران استوار است. بنابراین پرسش‌های این مقاله عبارتند از اینکه (۱) آیا شاهد این فرض در تهران دوره قاجار هستیم؟، (۲) با توجه به فرایند بودن تحول اندیشه، آیا بروز و ظهور بازتاب‌های فضایی در تهران از این امر تبعیت می‌کند یا خیر؟، (۳) کدام‌یک از مؤلفه‌های فضایی اندیشه مدرن در این دوره از اهمیت بیشتری برخوردار است؟



شهر به عنوان نمادی از اندیشه

در تأثیرگذاری اندیشه بر فضای کالبدی، ابعاد مختلفی از نظر درون‌زایی و برون‌زایی قابل بررسی است، شهرهای درون‌زا عمدتاً میراث فرهنگی قوم یا گروهی است که شهر متعلق به آنهاست. نمونه‌های چنین شهرهایی را می‌توان در حوزه کشورهای شرق اسلامی و یونان باستان به وفور مشاهده کرد. شهرهای برون‌زا که شکل‌گیری و تحول آنها متأثر از عوامل بیرونی بوده و عمدتاً فاقد پیشینه تاریخی و هویت درونی هستند و سرانجام شهرهای درون‌زا - برون‌زا که آمیخته از این دو جریان هستند.

تقریباً بر این نکته اتفاق نظر وجود دارد که شهر، چیزی بیش از مجموعه افراد و تسهیلات اجتماعی بلکه بیشتر بازتابی از اندیشه انسان‌ها، انسجامی از عادت، سنت‌ها، عواطف و نظام‌های فکری سازمان‌یافته است؛ از این رو شهر در بستر تاریخی خود تجلی‌گاه تفکر حاکم بر جامعه، الگوهای فکری، روابط بین مردم، اقشار و طبقات مختلف با یکدیگر است. چنانکه شهرهای یونانی، در پی تحولی در جهت نظم و نسق سلسله‌مراتب اجتماعی جدید به وجود آمد. به عبارت دیگر زایش شهرهای یونانی در پی جانشین شدن کیش پهلوانان با آیین‌های اسطوره‌ای سازمان یافت (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۱۹)؛ چنانکه نظام اجتماعی و حقوقی مستتر در اسلام سبب شد تا پدیده‌های ظاهری شهری، بدان‌گونه که در شرق باستان به‌ویژه حوزه تمدن ایرانی شکل گرفتند، در تمامی قلمرو فرمانروایی اسلام گسترش یابند. از دیدگاه ماکس وبر نیز تحول جامعه مدرن در گرو دیالکتیک بین تحول مذهب و روابط اقتصادی در فضایی به نام شهر بود زیرا تکامل اقتصادی دوران مدرن علاوه بر عوامل دیگر، زیر نفوذ عامل دینی (اخلاق اقتصادی پروتستان) قرار گرفته است؛ از سوی دیگر همین تکامل اقتصادی و پیامدهای اجتماعی آن مانند شهرگرایی و شهرنشینی، گوناگون شدن و تقسیم کارکردی نظام اجتماعی، تأثیراتی بر تحول دینی دارند. تصریح وبر بر بنیادهای مدرنیته از جمله اندیشه بر شهر چنین است. «شهر جایگاه خرد است و کلان‌شهر مکان خرد آزاد، هوش و آگاهی ریشه در تفاوت بورژوازی در برابر قدرت‌های سنتی و خونی فئودال دارد که در نتیجه آن بورژوا به منزله طبقه خردمند به هستی خود آگاه می‌شود. با رشد بورژوازی، خرد شهری سبب اصلاح در مذهب ابتدایی شده و مذهب قدیمی را کنار گذاشته و علم و هنر را جانشین آن می‌کند» (وبر، ۱۳۷۲: ۵۴).

در متن نظام مدرن، با شکل‌گیری نهادهای تخصصی و روابط سلسله‌مراتبی این نهادها، محو شدن قشربندی جامعه به شکل اصناف، تمایزات کمی بین فقرا و اغنیا، اهمیت یافتن





کارکردهای نهاد در تعیین سلسله مراتب آنان (هلمر، ۱۳۷۲: ۱۱۵) به طور طبیعی در شهرها، شاهد ساختار فضایی متمایزی نسبت به نظام‌های سنتی هستیم. همچنین سازمان سرمایه‌داری عقلانی کار آزاد در شهر به همراه بازارهای دائمی به دور از نفوذ سیاسی، جدایی محل تجارت از محل سکونت و جایگاه ویژه پول به عنوان وسیله محاسبه از جمله ویژگی‌های متمایز سرمایه‌داری جدید محسوب می‌شود که سازمان فضایی شهرها را نسبت به قبل دستخوش تغییر کرد، زیرا در قرون وسطی مالکیت زمین منشأ اقتدار و مقام شخص بود. این اقتدار از عرصه میثاق‌های شخصی آغاز و به بازارهای محلی ختم می‌شد و به هر تقدیر، وابستگی محلی شدیدی میان شخص و دارایی وجود داشت (زیمل، ۱۳۷۳: ۳۲۵). علاوه بر مسائل پیش‌گفته، نقش محوری پول نیز در دگرگونی چهره شهرها نقش ویژه‌ای ایفا کرد، زیرا در دوران مدرن:

«اقتصاد پولی، مدام میان شخص و شیئی خاص ارزش پولی را حائل می‌کند. ارزشی که کاملاً عینی و ذاتاً فاقد هرگونه کیفیت است. این اقتصاد با واسطه شدن میان شخص و دارایی، فاصله گرفتن آنها را از یکدیگر سرعت می‌بخشد و عناصر شخصی و محلی را که قبلاً به شدت وابسته به یکدیگر بودند، چنان از یکدیگر جدا می‌کند که شخص بتواند درآمد حاصله از افریقای جنوبی را در برلین دریافت کند. این نوع دارایی از راه دور که ما امروزه بدیهی می‌انگاریم از زمانی میسر شد که پول، هم به عنوان عاملی پیونددهنده و هم به عنوان عاملی جداکننده میان مالک و ملک قرار گرفت. با این حساب، پول در مالکیت اقتصادی، جنبه‌ای غیرشخصی به وجود آورد که قبلاً ناشناخته بود و به همین نسبت سبب عدم وابستگی و استقلال روزافزون شخصیت شد و رابطه شخصیت با جمعیت‌ها نیز به همین گونه تحول پیدا کرد (زیمل، ۱۳۷۳: ۳۲۷).

بازتاب فضایی تأثیر روابط پولی در شهر مدرن را می‌توان با فاصله گرفتن محل زندگی و محل کار از میان رفتن مرکزیت تجاری واحد در شهر، پیدایی انجمن‌های جدید در مقابل اصناف، تراکم و انباشت ثروت در شهر و حاکمیت روابط پولی میان اهالی شهر، بنگاه‌های جدید اقتصادی با کارکردهای فرامحلی و... مشاهده نمود. به عبارت دیگر آنچه ما امروزه به عنوان شهر مدرن می‌شناسیم و زندگی روزمره خود را با آن تنظیم می‌کنیم حاصل غیرشخصی شدن بسیاری از امور از جمله فضا است.

مروری اجمالی بر دیدگاه‌های مختلف اندیشمندان غربی در تأثیر تحولات ناشی از مدرنیسم بر ساختار پیچیده روابط انسانی و پیچیده‌تر کردن سازمان فضایی شهر برای پاسخگویی به این نیازهای جدید قادر به گشودن دریچه‌ای جهت توضیح روند دگرگونی تهران در سال‌های

پایانی قرن نوزدهم میلادی است. در بررسی تحولات ایران دوره قاجار باید به تأثیرات و پیامدهای حاصله در سازمان‌یابی یا ساختار فضایی چشم‌اندازهای کشور، به‌ویژه شهرها و نیز رابطه دیالکتیکی میان جهان‌بینی غرب و جهان‌بینی‌های دیگر با محیط‌های طبیعی، اجتماعی و اقتصادی توجه کرد. چنانکه در بازکاوی تاریخ معاصر نیز می‌توان به شواهد متعددی دال بر ورود فناوری‌های نوین و تلاش برای نوسازی کشور، آغاز حرکت‌های هدفمند به سوی سرمایه‌داری به شیوه غربی، شکل‌گیری و حاکمیت روابط پولی و اشاره کرد.

اندیشه تجدد در دوران ناصری

بررسی ریشه‌ها و ابعاد اندیشه تجدد در دوران ناصری نیازمند مجالی فراخ است که باید در حوصله این مقاله به اجمال بدان پرداخت. در این بررسی، ضمن مروری تاریخی بر پیشگامان مدرنیزاسیون در ایران، به تکامل روابط اقتصادی و حرکت به سوی سرمایه‌داری با شیوه غربی و حاکمیت روابط پولی، شکل‌گیری برخی بنیادهای نظری، تغییر ساختار سلسله‌مراتب اجتماعی و پایه‌ریزی نهادهای اجتماعی هرچند به صورت گذرا اشاره می‌شود.

نخستین گام در عرصه نوسازی (مدرنیزاسیون) بی‌تردید از سوی امیرکبیر برداشته شد. گشایش دارالفنون (۱۳۶۸ هـ ق / ۱۸۵۲) به عنوان نخستین مدرسه بزرگ غیردینی با فاصله سه سال از دارالفنون استانبول و حضور استادان خارجی و تدریس علوم جدید با هدف تربیت پیشگامان تجدد از جمله گام‌های امیرکبیر در نوسازی ایران به شمار می‌رفت (بهنام، ۱۳۸۳، ۳۲). در اینجا اشاره به جنگ‌های ایران و روس و سرخوردگی ایرانیان از عقب‌ماندگی خود، وضعیت تبریز، شهر ولیعهدنشین قاجار و تأثیرپذیری این شهر از افکار و آداب و رسوم غربی به واسطه نگاه به روسیه و عثمانی ضروری به نظر می‌رسد. در آن دوره دو راه اصلی شمال ایران را به اروپا پیوند می‌داد. یکی راه خوی - ارزروم - ترابوزان و دیگری راه تبریز - ایروان - تفلیس که تبریز چهارراه اصلی تبادل انسان‌ها و کالاها به شمار می‌رفت. دوره نمایندگی امیرکبیر به عنوان نماینده ایران در عثمانی و آشنایی وی با اصلاحات رشید پاشا از جمله عوامل مؤثر در افکار اصلاحی امیرکبیر به شمار می‌آید.

دوران حکومت ناصرالدین شاه با رشد سریع تعداد دیپلمات‌ها و اتباع خارجی نیز همراه بود. اگرچه در پشت این حضور اهداف استعماری پنهان بوده، اما تأثیرات آن را در افکار نخبگان جامعه نمی‌توان انکار کرد. برای مثال «در سال ۱۸۵۱ بی‌نینگ تعداد اروپاییان مقیم





تهران را محدود به اعضای معدود سفارتخانه‌ها و چند افسر خارجی می‌داند و در سال ۱۸۵۶ مونس‌ی تعداد خارجیان مقیم تهران را حدود پنجاه نفر ارزیابی می‌کند. ولی در سال ۱۸۸۹ کرزن تعداد این افراد را پانصد نفر اعلام می‌کند» (فشاهی، ۱۳۶۰: ۳۲). ابتدایی‌ترین تأثیر این حضور به لحاظ فضایی، معماری ساختمان سفارتخانه‌های خارجی است. در زمان قاجاریه، معماری ایران به خاطر ایجاد روابط سیاسی میان ایران و کشورهای اروپایی از دگرگونی غیرمترقبه‌ای برخوردار شد. از این تاریخ به بعد نخستین پایگاه‌های سیاسی شبه‌سفارتخانه‌ای در ایران به وجود آمد و اروپایی‌ها با ساختن سفارتخانه‌های خود به سبک بناهای اروپایی تأثیر زیادی در معماری ایران گذاشتند» (رجبی، ۱۳۵۵: ۲۶).

علاوه بر امیرکبیر در میان بازیگران تجدد در عصر ناصری بی‌تردید میرزا محمدحسن خان سپهسالار نقش و جایگاه ویژه‌ای دارد. آشنایی سپهسالار با روشنفکران ترک و اقامت دوازده‌ساله وی در استانبول و ارائه گزارش‌های مفصل به تهران و تشویق شاه و اطرافیان وی به اخذ تمدن غرب تأثیر بسزایی در تغییرات در این دوره داشت. اوج فلسفه دولت سپهسالار «تغییر» در جهت «ترقی» بود و تکیه کلام وی که «در طریق عقل، اختلاف نیست» موجب گردید تا «اصلاح طراز حکومت و تأسیس دولت منتظم بر پایه قوانین جدید، تفکیک سیاست و روحانیت، افزایش ثروت ملت و دولت، توسعه صنایع و ترویج تجارت، نشر علم مترقی، مدنیت و حقوق انسانیت و...» را وجهه همت خود قرار دهد (بهنام، ۱۳۸۳: ۳۴).

دوران ناصری، به تعبیری دوران چالش نظری پیرامون تبیین جایگاه سلطنت نیز به شمار می‌رود. انبوه رسائل به قلم علمای دینی، اهل فلسفه و اقشار دیوان‌سالار در ردّ یا اثبات نظریه کهن سلطنت و ویژگی ظل‌اللهی شاه بیانگر آغاز چالش‌های فکری در یکی از بنیادی‌ترین ساختارهای قدرت جامعه ایرانی است. برخی از این رساله‌ها به طور آشکار در پاسخ به مخالفان سیاسی رژیم قاجار به تحریر درآمده بود. نقدهایی که برای مثال در سفرنامه حاج سیاح می‌توان اشاراتی روشن را در آن دریافت. «در میان رساله‌های منتشرشده در این دوره که به قلم یکی از شاگردان حاج ملاهادی سبزواری به رشته تحریر درآمد، درمی‌یابیم که در این دوران به‌رغم قدرتمندی دستگاه سلطنت، سخنانی در مورد حدود اختیارات شاه و نیز مشروعیت دینی سلطنت پرداخته شده است» (آبادیان، ۱۳۷۴: ۲۲). این چالش‌ها سرانجام با نهضت مشروطه توانست به طور عمده بنیادهای اندیشه کهن سلطنت را سست کند.

در ارزیابی دوره ناصری و تحولات این دوره باید به نقش استعماری روس و انگلیس و



توسعه برونزای این دوران نیز اشاره نمود. اعطای امتیاز اولین بانک اروپایی موسوم به بانک جدید شرف به انگلیسی‌ها از سوی ناصرالدین شاه (۱۲۸۱ هـ. ق/ ۱۸۶۴ م) و رقابت صرافان ایرانی با این بانک، مقدمات آشنایی آنان را با فنون جدید بانکداری و به فاصله یک سال تأسیس بانک شاهنشاهی ایران که کلیه تأسیسات بانک جدید شرف را خریداری نمود (اشرف، ۱۳۵۹: ۵۸) از موارد قابل اشاره است. در دوران ناصری هم‌زمان با پیدایی متفکران تجددخواه، شاهد شکل‌گیری آرام اما ناموفق سرمایه‌داری داخلی هستیم. هم‌زمان با تلاش‌های تجار و بازرگانان ایرانی مسئله ورود سازماندهی شده سرمایه‌های خارجی نیز مطرح شد. «در سال‌های ۱۸۵۶-۵۷، شاه در نامه‌ای به امین‌الدوله از او خواسته بود تا برای ایجاد کارخانه‌های متعدد در ایران با سرمایه‌داران انگلیسی مذاکره کند» (فشاهی، ۱۳۶۰: ۱۳۱).

اشرف با ارائه فهرستی از صنایع شکل‌گرفته در این دوران اشاره به جمعیت شاغل دارد که بالغ بر یکصد هزار نفر در صنایع عمدتاً متمرکز در تهران، تبریز، مشهد و گیلان و عبدالله یف نیز ۴۱ کارخانه با سرمایه بیشتر روسی را فهرست نموده است (اشرف، ۱۳۵۹: ۱۰۰ و ۹۹). شکل‌گیری انجمن‌ها و شرکت‌هایی با انگیزه ملی از دیگر تحولات این دوره به شمار می‌آید. برای مثال انجمن شرقی در اصفهان، انجمن اسلامی در کازرون، شرکت اسلامی اصفهان و نیز فکر تأسیس بانک ملی طی نامه‌ای از سوی حاج محمدحسن امین‌الضرب به ناصرالدین شاه (اشرف، ۱۳۵۹: ۱۰۲) قابل ذکر است.

انقلاب مشروطه به عنوان نتیجه تغییرات در عرصه اندیشه بیانگر عمق خواسته‌های شکل‌گرفته در دوان ناصری ارزیابی می‌شود. نگاهی به توزیع نمایندگان مجلس اول بر حسب مراتب اجتماعی، علاوه بر اینکه نشان‌دهنده نیروهای مؤثر در انقلاب مشروطه است، به نوعی بازتاب شکل‌گیری سلسله‌مراتب جدید اجتماعی نیز است. حذف اعیان و اشراف و هم‌ترازی تجار و ملاکان با فلاحان و اصناف (اشرف، ۱۳۵۹: ۱۱۸) از تحولات عمده در نظام سلسله‌مراتب اجتماعی جامعه ایرانی است.

جنبش فرهنگی این دوره دایره وسیعی را به خود اختصاص می‌دهد که زمینه‌ساز حرکت مشروطه و تجدد فکر دینی از یک سو و به تبع آن جنبش فرهنگی در ترجمه آثار خارجی، نگارش رسالات فلسفی، حقوقی، اجتماعی و نشر روزنامه‌ها در داخل و خارج است و از دیگر سو افزایش تعداد مدارس جدید از این جمله‌اند. در این دوره نویسندگان ایرانی ساکن خارج از کشور در جستجوی ارائه راه‌حلی برای جبران درماندگی و عقب‌ماندگی کشور و رسیدن به



وضعیتی مشابه غرب تلاش‌های بسیاری نمودند که معروف‌ترین آنها سیدجمال‌الدین اسدآبادی، طالبوف، ملک‌خان، آخوندزاده، مستشارالدوله و غیره بوده‌اند. «رونق ترجمه کتاب‌های اروپایی، تأسیس مدارس جدید مانند مدرسه نظامی تهران، مدرسه سیاسی و مدرسه فلاح، ایجاد مدارس خارجی و نشر افکار جدیدی در میان ایرانیان، افزایش میسیون‌های مسیحی، تأسیس نخستین کتابخانه در مدرسه دارالفنون، احداث نخستین چاپخانه سنگی در تهران، انتشار روزنامه که شاه وجود آن را برنتابید و به یک روزنامه رسمی تقلیل یافت»، همه بیانگر تمرکز تحول در فضای فرهنگی این دوره در تهران است که علاوه بر متأثر بودن از عوامل درونی، ریشه در روابط بیرونی و تبادل فرهنگی با غرب داشت (اتحادیه، ۱۳۷۵: ۱۴۵-۱۴۰) که نتیجه آن به انقلاب مشروطه منتهی شد. باید خاطر نشان ساخت که تکوین مدرنیسم در جوامع مختلف مسیرهای متفاوتی را طی کرده است؛ در آنجایی که تجدد به نحو بومی و از طریق آزمون و خطا بسط یافت، پویش تجدد مقدم بر ظهور نظام اجتماعی مدرن بود زیرا اولی راه را بر دومی گشود. این پویش حتی پس از استقرار نظم جدید نیز در کل به عملکرد خود ادامه داد. در اواخر قرن نوزدهم، و به‌ویژه قرن بیستم، نظام اجتماعی مدرن چنان موفق از آب درآمد که به دیگر مناطق نیز انتقال یافت و در آنها ریشه کرد. مناطقی که در آنها پویش تجدد هنوز ظاهر نشده بود، صرف نظر از ماهیت اجباری یا خودخواسته این انتقال، غیبت کامل پویش مدرن در تمامی مناطقی که تجدد، در قیاس با مدل اصلی ایجاد شده، خصلتی مخدوش داشته و در وضعی بی‌ثبات باقی بماند. انقلاب مشروطه نیز از این قاعده مستثنی نبود. بحران‌های اجتماعی این دوران که به انقلاب مشروطیت منجر گردید، عمدتاً بر اثر وابستگی پدید آمد و ربطی به دوره‌های پیشین تحول اجتماعی ایران نداشتند. بیشتر قشرها و گروه‌های مردم در صورت‌بندی اجتماعی ایران و همه کسانی که در صفوف مشروطه‌خواهان ائتلافی ایجاد کردند، بر اثر تماس یکصدساله با غرب، آن هم تماسی که با تنش فزاینده همراه بود، شکایات و خواسته‌هایی داشتند (فوران، ۱۳۷۸، ۲۶۸).

بازتاب‌های فضایی تجدد در دوره ناصری

عوامل مؤثر در تحولات فضایی پایتخت قاجار را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. عوامل درونی که ریشه در رقابت پادشاهان قاجار در ساختن شهری همچون اصفهان و پایتخت صفویه داشت و عوامل بیرونی که سه بردار عمده آن عبارت بود از: اول، تمایل پادشاهان قاجار به خصوص ناصرالدین شاه به ساختن شهری شبیه آنچه در سفرهای خود به فرنگ دیده بودند. دوم، تلاش

اقشار نوپای سرمایه‌داری تجاری در ساختن شهری که توانایی پذیرش روابط جدید قدرت را در فضای کالبدی خود داشته باشد و سوم، کوشش‌های افرادی همچون میرزا تقی‌خان امیرکبیر و میرزا محمدحسن‌خان سپهسالار که درصدد ایجاد سازمان دیوانی جدید و آموزش افرادی بودند که بتوانند این نظام جدید را پاسخگو کنند (حبیبی، ۱۳۷۳: ۱۴۰).

بدعت خندق به دور بارو حاصل یکی از سفرهای پُرخرج ناصرالدین شاه به اروپا بود. آنجا سلطان صاحبقران از شهری دیدار کرد که در قرون وسطی بنا شده و به رسم مألوف آن روزگار، دیواری و خندقی داشت (میلانی، ۱۳۷۸: ۱۳۰). این مهم را شاه بر عهده میرزایوسف مستوفی‌الممالک صدر اعظم و میرزا عیسی وزیر تهران موكول کرد و آنان با فراخواندن مهندسان و معماران خارجی برای تعیین حدود و اندازه و جاهای دروازه‌ها و حفر عمق خندق، طرح جدیدی برای شهر تحت نظر بهلر مهندس فرانسوی از روی قلعه و حصار قدیم شهر پاریس ریختند که یک هشت‌ضلعی ناقص بود (جواهر کلام، ۱۳۵۷: ۱۰۶). این قلعه که وسعت شهر را تقریباً پنج برابر کرد اراضی وسیعی را به داخل حصار جدید وارد نمود. در این دوره وسعت تهران از حدود ۴ کیلومتر مربع به تقریباً ۱۹ کیلومتر مربع و دروازه‌های شهر از ۶ باب به ۱۲ باب افزایش یافت. نقشه دارالخلافه ناصری که در سال ۱۸۷۸ کشیده شد، شهری را نشان می‌دهد که مانند شهر ایدئال رنسانسی محصور شده است. یک هشت‌گوش نسبتاً کامل. شهری که در غرب انسان و نیازهای او را شاخص ساختار کالبدی شهری دانسته و آرمان پیشنهادی او در فرم از اندام انسان تبعیت می‌کند» (شکویی، ۱۳۷۳: ۱۵۸).



شکل ۱. نمونه‌ای از شهر رنسانسی در اروپا



مأخذ: شکویی (۱۳۶۵) ص ۱۵۹

در دیدگاه نظری شهری رنسانسی میدان مرکزی شهر و خیابان‌های منشعب از آنکه مستقیم بودن و عرض وسیع به شکوه و جلال شهر می‌افزود و نیز سهولت تردد و ترجیح این گزینه در مقابل خیابان‌های پُر پیچ و خم قرون وسطایی و رؤیت تک‌تک ساختمان‌های هم‌ردیف توجه به نورگیر بودن تمامی فضای جلوی خانه‌ها به‌روشنی مورد توجه قرار گرفته است (جیمز، ۱۳۷۴: ۱۸۲).

شهر جدید دوران ناصری اگرچه تفاوت‌های بسیاری با شهر ایدئال رنسانسی دارد، اما تعیین میدان مرکزی و تلاش جهت مستقیم کردن خیابان‌های جدید در شمال شهر به وضوح از الگوی این‌گونه شهرها تبعیت می‌کند. اگرچه اصفهان پیشتر بر اساس الگوی میدان و خیابان‌های منتهی به آن طراحی شده بود، اما در مورد تهران به تصریح جواهر کلام، نقشه جدید شهر تحت نظر بهلر و از روی قلعه و حصار قدیم شهر پاریس ریخته شد.

شکل ۲. نقشه تهران ناصری



در کنار عوامل بیرونی پیرامون رشد شهر و تغییرات کالبدی تهران می‌توان به عواملی همچون افزایش جمعیت تهران و احداث قصرهای سلطنتی، کوشک‌های اعیانی و سفارتخانه‌ها و منازل خارجی‌ان در بیرون حصار و رشد محله‌های جدید پیرامون بارو نیز اشاره نمود (سعیدنیا،





۱۳۷۰: ۳۲۰). همچنین اثرات تأسیس دارالفنون و نقش این مدرسه در تحولات فضایی تهران را می‌توان ردیابی کرد. چنانکه نقشه عمارات اطراف شهر قدیم را که داخل «باسیتون» جدید شدند، دانشجویان دارالفنون برداشتند. ابتکار امیرکبیر در تأسیس دارالفنون موجب گردید تا زمان انقلاب مشروطیت، ۱۴ مدرسه جدید دیگر توسط شماری از اصلاح‌طلبان با دستورالعملی نو برای آموزش معارف اروپایی و ایرانی و نیز دو مدرسه پسرانه به اسامی «سنت‌لویی» و «آلیانس فرانسیز» در ۱۲۷۷ / ۱۳۰۸ هـ ق تأسیس شد (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۵۹).

تحرك اجتماعی دوران ناصری متأثر از تغییرات عرصه اندیشه، نیازمند ساختارهای اقتصادی خاص خود بود. در این دوره شاهد جدایی‌گزینی اکولوژیکی شهر نیز هستیم. به لحاظ نظری «در جدایی‌گزینی اکولوژیکی، قشرها و گروه‌های ویژه شهری، با زندگی در محدوده معین (محلّه) و عدم تماس با سایر قشرهای شهری، حاکمیت فاصله اجتماعی میان خانواده‌های شهری را موجب می‌گردد و شهر را به قطعاتی تقسیم می‌کند که هر قطعه با قطعه دیگر به علل فاصله فیزیکی و اجتماعی جدا شده‌اند» (شکویی، ۱۳۶۵: ۳۰)؛ از این رو جدایی‌گزینی اکولوژیکی معمولاً با جدایی‌گزینی مکانی یا فاصله فیزیکی در رابطه است. این امر با ساختار سنتی محلات متفاوت است زیرا محلات کهن بر اساس روابط خویشاوندی، قومی و مذهبی و نژادی سازمان می‌یابند و استحکام روابط اجتماعی درون و برون محلّه‌ای مبتنی بر حمایت اجتماعی و گاه اقتصادی افراد ساکن محلّه از یکدیگر و حمایت ساکنان در مقابل دولت بود، اما در این دوره اگرچه محلّه هنوز به عنوان عنصر اصلی سازمان شهری نقش بازی می‌کند ولی همچون گذشته دیگر مفهوم قومی، نژادی و قبیله‌ای ندارد». از این پس محلّه نماد تمایزات اجتماعی و تبلور کالبدی فضایی آنهاست. محلّه فرادستان و فرودستان، محلّه شمال (دولت) و محلّه جنوب (چال میدان)، محلات جدید در کنار خیابان‌های تازه احداث شده تشکیل می‌گردند و خدمات مورد نیازشان را نه در درون خویش بلکه در حاشیه‌شان، یعنی کنار خیابان‌ها بازمی‌یابند و در نتیجه محلّه اندامی بیرونی می‌یابد (حبیبی، ۱۳۷۳: ۱۴۴).

رفت‌وآمد هیئت حاکمه به اروپای آن دوران شکلی از معماری و شهرسازی را در ذهن هیئت حاکمه ایجاد می‌کند که با روش‌های کهن درهم آمیخته شده و سبکی التقاطی در معماری شهر تهران به وجود می‌آید. حاصل این دگرگونی، تکوین و تدوین ارزش‌های تازه‌ای در شهرسازی و معماری است که مفاهیم تازه و عناصر جدیدی عرضه می‌کنند. برخی معماری این دوره را معماری گشایش و اختلاط نام نهاده‌اند. «گشایش بدان سبب که از فضای تنگ و

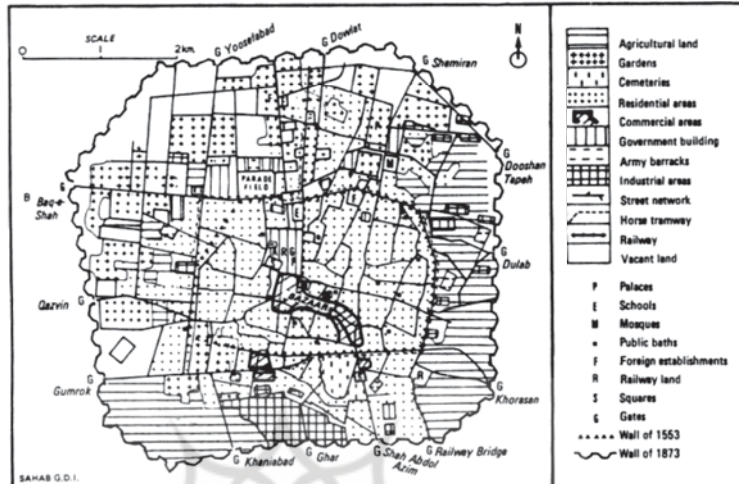
نامنظوم بافت سنتی به فضای باز و تشکیل میدان‌ها و خیابان‌های قاجاری می‌رسیم و اختلاط از این جهت که فضایی با هدف نقل و انتقال اخبار، اطلاعات و وسایل نقلیه شکل می‌گیرد» (فقیه، ۱۳۵۶: ۱۳).

علاوه بر تغییرات به لحاظ سنخ‌شناسی در معماری و دگرگونی مفهوم فضا در این هشت ضلعی جدید، ۵ محله، شکل گرفته و توسعه می‌یابند و تعداد بسیار زیادی بنا با ساخت و کارکرد جدید به شهر ضمیمه می‌شود. این بناها علاوه بر سفارتخانه‌های خارجی، باغ‌ها و پارک‌های اعیانی که وارد باروی جدید شهر شده‌اند عبارتند از: «مدرسه و مسجد سپهسالار، پارک امین‌الدوله، باغ و عمارت مسعودیه (ظل‌السلطان)، پارک اتابک، باغ حسن‌آباد (میدان حسن‌آباد فعلی) باغ و امارت امیریه، باغ و امارت منیریه، میدان امین‌السلطان و بقعه و قبرستان سر قبر آقا» (سعیدنیا، ۱۳۷۰: ۳۲۰). اما بی‌تردید مهم‌ترین و شاید غیرقابل انکارترین نشانه شهری دوره قاجار را که متأثر از اندیشه مدرن است، باید ساختمان مجلس شورای ملی دانست؛ جایی که سال‌ها قبل از انقلاب مشروطیت، برای پارلمان پیش‌بینی شده بود. مرحوم دهخدا به خط خویش چنین نگاشته است:

«پس از کودتای محمد علیشاه که من به اروپا و سپس به استانبول رفتم، دو سه بار مرا به مجلس دعوت کردند... محمدعلی بیگ همدانی که وکیل کربلا در مجلس عثمانی بود مرا در شگفت دید، از تعجب من پرسید و از اینکه همه جاهای ندیده را می‌شناسم و از پیش وضع آن را خبر می‌دهم متعجب بود و این بدان علت بود که ساختمان و عده‌اتاق‌ها و بزرگی و کوچکی و سمت و ارتفاع بناها درست مانند مجلس شورای ملی تهران بود و حتی زینت‌ها از قبیل آینه‌ها و غیره عیناً یکی بود. این بنا را مدحت پاشا برای مجلس شورای اول عثمانی ساخته بود و سپهسالار عین آن را تقلید و در تهران ساخته است. آیا به نیت اینکه آنجا هم مجلس شورای ایران شود؟ آری بدون هیچ شک» (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۳: ۷۹۵۶). به هر تقدیر نقشه تهران ناشی از تمامی دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم صاحبان قدرت و تصمیم‌گیرندگان دارای نفوذ در کمتر از نیم قرن دستخوش تغییرات قابل توجهی شد.



شکل شماره ۴. نقشه تهران در سال ۱۸۹۱



تهران: نقشه شهر در سال ۱۸۹۱ میلادی

مأخذ: ساختار تهران معاصر، سعیدنیا، ص ۲۹۱



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۴۱

تأثیر تجدد بر سازمان فضایی شهر ...

تحول تهران در سال ۱۸۹۱ نسبت به سال ۱۸۵۱ یعنی قریب به چهل سال بیانگر شکل‌گیری کامل‌تر منطقه تجاری یا بازار، پیدایی مناطق صنعتی در جنوب شهر و نیز خط آهن (ماشین دودی)، وضوح شبکه خیابان‌ها، افزایش میداین شهر، مدارس جدید، پراکندگی مناطق دولتی در سطح شهر و افزایش تعداد دروازه‌هاست که هر یک به‌نوعی در فرآیند تجدد ساختار شهری قابل بررسی است.

از جمله ویژگی‌های بسیار مهم در این دوره تغییر مرکز شهر، دگرگونی مفهوم محله، شکل‌گیری خیابان و تحمیل این عنصر بر شبکه سنتی بازار و نقش ارتباطی بارز آن است. در این دوره «مرکز شهر از سبزه‌میدان و میدان ارک به میدان توپخانه انتقال یافته و مفهوم جدید و چهره تازه‌ای از میدان حکومتی، اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌شود» (حبیبی، ۱۳۷۸: ۱۴۳). گویی نقش واسطه‌ای مسجد که بین بازار و حکومت حائل بود، به میدان عمومی سپه انتقال یافته و از این دوره نقش واسطه‌ای دولت (ارک) بین بازار و سفارتخانه ایفای نقش می‌کند. در میدان توپخانه دروازه خیابان سپه از یک سو پیوند مکان عمومی را با بارگاه شاهی نشان می‌دهد و بنای بانک شاهی روبروی آن، دوران استیلای اقتصاد را نوید می‌دهد. دروازه‌های خیابان‌ها



نمودار اهمیت خیابان به عنوان یک مکان با هویت شهری هستند» (فقیه، ۱۳۵۶: ۱۱). از این دوره خیابان مفهوم جدیدی می‌یابد. خیابان دیگر نه فقط به عنوان مسیر عبور و یا تفرجگاه، بلکه به منزله محل تجارت و بازرگانی نیز نقش بازی می‌کند. در این دوره شش خیابان اصلی شهر هریک معرّف عملکردی خاص و هویتی ویژه است. نقطه شروع هر خیابان میدان مرکزی (توپخانه) است و اتصال هریک به میدان را دروازه‌ای تعریف می‌کند. بدین ترتیب دروازه، هم نقطه اتصال دو فضای متباین شهری (میدان و خیابان) است و هم نشانگر اهمیت آن و هم نقطه شروع را تعریف می‌کند.

در مورد خیابان‌های پیرامون سفارت انگلیس، میرزا عیسی وزیر تهران موافقت کرد که بیشترین دقت را برای مستقیم بودن و طراحی صحیح و بی‌عیب آنها و نیز نظارت بر عرض حدوداً یازده متری آن صورت دهد (گرنی، ۱۳۷۵: ۶۵). این امر همچنین با خواست اعضای سفارت برای استفاده از کالسکه جهت رفت‌وآمد نیز تطابق داشت. علاوه بر اعضای سفارت درباریان و اعیان نیز می‌خواستند از کالسکه‌های خودشان استفاده کنند (گرنی، ۱۳۷۵: ۵۴). این طرح به ناحیه کوچک اطراف محل اقامت اعضای سفارت بریتانیا در شمال شهر محدود نشد زیرا همین‌الگو را می‌توان به شکلی ابتدایی‌تر در سایر محلات جدید و کوچک‌تر نیز ردیابی کرد.

از جمله مهم‌ترین تأثیراتی که شیوه شهرسازی غرب بر معماری سنتی ایران گذارده، برون‌گرا شدن ساختمان‌ها بوده است. «در معماری سنتی ایران قسمت اصلی ساختمان به شکلی درون‌گرا و حول یک حیاط مرکزی شکل یافته و تنها بخش کوچکی از آن قسمت ورودی و سردر بنا بوده که در ارتباط با فضای خارجی طراحی می‌شد. شیوه شهرسازی غربی تغییری ماهوی در ساختمان‌ها به وجود آورده و نظام فضایی و ارتباطی آنها را به کلی تغییر شکل می‌دهد. حیاط مرکزی حذف شده و کل مجموعه ساختمان با شکل و ارتباطی جدید در حاشیه خیابان و یا میدان و رو به آنها قرار می‌گیرد» (پاکدامن، ۱۳۷۲: ۷۹).

در خیابان‌ها نیز شاهد حضور عنصر جدیدی هستیم. «این عنصر جدید، آمدوشد و سایل نقلیه عمومی است. استفاده از این وسایل که تا پیش از این در شهرهای ایرانی نبودند، همچون در الگوی اصلی خویش، یعنی در شهرهای اروپایی نشانگر عملکرد صنعتی شهر نیست، بلکه نشانه یک عملکرد تفریحی است. واگن یا تراموای اسبی به خیابان‌های تازه‌ساخت چهره‌ای بس متفاوت می‌بخشد. حضور دیگر عناصر شهری در بیان کالبدی - فضایی خویش، مفهوم

جدیدی را در ریخت‌شناسی شهری مطرح می‌کنند؛ مفهومی که در شهر کهن کاملاً ناشناخته است.

ساختن عمارات و بناهای دولتی به سبک فرنگی (تعبیر بومی از سبک‌های مسلط معماری اروپا) چون عمارت تلگرافخانه، عمارت شمس‌العماره و ساعت معروف آن (به عنوان تعیین معیاری جدید برای گذر زمان)، عمارت تکیه دولت (تعبیر و تفسیری ظریف و استادانه از مفهوم اپرای شهر پاریس) مثال‌های روشنی از تغییر مفاهیم در مورفولوژی شهری هستند که با قرار گرفتن در کنار خیابان، بر نقش جدید آن تأکید کرده و خود به عنوان عنصری نمادین مطرح می‌شوند» (پاکدامن، ۱۳۷۲: ۱۴۴).

در بررسی نحوه شکل‌گیری این عناصر، وجه تسمیه و یا سازندگان خیابان‌ها و بناها خود به قدر کافی گویاست. در شکل‌گیری بناهای اصلی و کاربری‌های مختلف از جمله خیابان و بناهای عمومی، تأثیر تفکر غرب به عنوان عامل بیرونی و در نتیجه تغییر نگرش تصمیم‌گیرندگان فضای شهری قابل مشاهده است. برای مثال در کتاب تاریخ تهران چنین آمده: «شمس‌العماره یکی از بناهای مرتفع، مشخص و جالب تهران قدیم است. گویا ناصرالدین شاه قبل از سفر اروپا بر اثر دیدن تصاویر بناها و آسمان‌خراش‌های کشورهای غربی تمایل پیدا می‌کند، بنای مرتفعی نظیر بناهای فرنگستان در پایتخت ممالک محروسه خود ایجاد کند... این قصد خود را با دوستعلی خان نظام‌الدوله معیرالممالک در میان می‌نهد و بدین ترتیب شمس‌العماره ساخته می‌شود». یا در جایی دیگر درباره خیابان چراغ‌گاز (چراغ‌برق) می‌گوید: «این خیابان به این جهت چراغ‌گاز و بعد چراغ‌برق شهرت یافت که برای اولین بار کارخانه چراغ‌گاز را میرزا محمدحسن خان سپهسالار از فرنگستان وارد کرد و در سال ۱۲۹۶ توسط مسیو فابیوس در اواسط این خیابان شروع به کار کرد و به کاخ‌های سلطنتی و خیابان‌های اطراف ارگ روشنایی داد... این کارخانه چندان دوامی نیافت تا آنکه سرانجام در سال ۱۳۰۸ حاج امین‌الضرب که همراه مظفرالدین‌شاه به سفر روسیه رفته بود کارخانه چراغ‌برق را خریداری می‌کند و آن را جانشین چراغ‌گاز می‌نماید» و در مورد میدان مشق نیز چنین آمده است: «توسعه و تجدید میدان مشق دارالخلافه تهران و ساختن دیواری مشتمل بر طاقنمای آجری در دور تمام میدان مشق به اهتمام میرزا محمدحسن خان سپهسالار در سنه ۱۲۷۸ هجری ساخته شد. منظور از ایجاد این میدان، مشق دادن نظامیان شاه تحت نظارت استادان نظامی روس و اروپایی طبق شیوه غربی بود» (جواهرکلام، ۱۳۵۷: ۱۲۶-۱۲۵).





در کنار فضاهای مسکونی و تغییرات ناشی از ورود تفکر غرب، برای اولین بار فضاهای صنعتی ناشی از سرمایه‌گذاری تجار ایرانی نیز در تهران شکل گرفت. برای مثال «صنایع الدوله کارخانه آهن تراشی را در تهران تأسیس کرد که مورد بازدید مکرر ناصرالدین شاه قرار می‌گرفت و یا حاج محمدحسن اصفهانی کارخانه بلورسازی در تهران تأسیس نمود و نیز چنانکه اشاره شد کارخانه کوچک چراغ گاز به ارزش ۳۰ هزار لیره در خط خیابان شرقی میدان توپخانه به وسیله حاج میرزا حسن خان قزوینی سپهسالار اعظم به حکم دولت ناصری تأسیس شد. همچنین در این دوره کارخانه جبه‌خانه و تفنگ‌سازی که از زمان عباس میرزا و امیرکبیر وارد شده بود، کماکان مشغول به کار بود که آلات و ادوات این کارخانه‌ها توسط دکتر طولوزان فرانسوی صورت گرفته بود. از جمله موارد دیگر کارخانه آجرپزی و کاغذسازی به وسیله حاج امین‌الضرب و کارخانه صابون‌پزی به وسیله ربیع‌زاده و شرکا قابل ذکر است» (اشرف، ۱۳۵۹، ۸۵-۸۳). تغییر در ترکیب جمعیتی شهر تهران و شکل‌گیری طبقه جدیدی از کارگران صنعتی که احتمالاً دیگر وابستگی فضایی‌ای به محل کار خود نداشته‌اند، خود مقوله‌ای است که باید به طور جداگانه بدان پرداخت.

از نکات قابل توجه در مورد صنعت این دوره، تفاوت فضایی سرمایه‌گذاری تجار ایرانی و خارجی است. از مجموع ۲۰ کارگاه متعلق به سرمایه‌گذاران ایرانی، ۳۰ درصد در تهران مکان‌یابی شده در حالی که سهم سرمایه‌گذاران خارجی در این زمینه فقط ۳ درصد یعنی یک کارخانه با ۵۰ کارگر (کارخانه کبریت‌سازی توسط سرمایه‌گذاران روسی) است. علت این امر را باید در بازار مصرف تهران جستجو کرد، تقریباً تمامی صنایع استقرار یافته در تهران را صنایع مصرفی تشکیل می‌داد. همچنین از جمله دلایل قابل ذکر در این مورد شاید نزدیکی صاحبان صنایع به کانون قدرت بود.

مجموعه عوامل ذکر شده پیرامون روابط سرمایه‌داری دوره ناصری بیانگر بازتر شدن اقتصاد ایران در رابطه با اقتصاد بین‌المللی است که از جمله آثار آن، «به اصطلاح تجاری شدن اقتصاد ایران، رشد تجارت خارجی و چه بسا تجارت داخلی، گسترش احتمالی (ولی نه به هیچ روی حتمی) کل سرمایه تجاری و تمرکز و ادغام بیشتر آن بوده است. پیدایش این روند به هیچ وجه به معنای ظهور مرحله‌ای جدید در توسعه اقتصادی ایران نظیر ظهور سرمایه‌داری تجاری در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی اروپا نیست... و این به اصطلاح تجاری شدن را نمی‌توان در دهه‌های بعدی به عنوان «مرحله‌ای در توسعه» و در شمار مجموعه تحولات پیشرو اجتماعی



- اقتصادی قلمداد کرد که با تجربه اروپا قابل مقایسه باشد، بلکه این روند به نوعی تأثیر اندیشه‌های غربی و نظام سیاسی آن در تحصیلکردگان ایرانی بود. گسترش و تشدید انتقاد اینان از اوضاع ایران و بهبود وسایل ارتباطی، به‌خصوص تلگراف، پیوستگی بیشتری اقتصاد سیاسی را موجب شد (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۹۴-۹۳)

در بررسی وضع اقتصادی این دوره، اشاره به چند نکته حائز اهمیت است.

۱. در سایه تحولات اقتصادی این دوره شهر تهران دستخوش تغییراتی کالبدی گردید که روابط فضایی متناسب با این تغییرات را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت.
۲. جنبش تنباکو که موجب وحدت هرچه بیشتر روحانیت و بازار شد، مقدمات انقلاب مشروطیت را فراهم ساخت که خود موجد تحولات فضایی دوران رضاخان گردید.
۳. ظهور تحولات جدید اقتصادی در ایران که ناشی از تبادل فرهنگی با خارج بود، بازار سنتی و نمایندگان آن تجار را به تحرک فضایی و همپایی با مکان‌گزینی‌های سفارتخانه‌ها و محل استقرار حکومت و نیز جدایی سنتی از محور بازار - مذهب سوق داد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد و بر اساس مستندات ارائه‌شده می‌توان فرضیه محوری این مقاله یعنی تقدم اندیشه بر فضا را در تکوین سازمان فضایی تهران اواخر دوره قاجار مشاهده کرد. نگرش مدرن در اداره کشور با میرزا تقی‌خان امیرکبیر آغاز و طی نیم قرن حکومت ناصرالدین شاه شخصیت‌های مختلفی در عمل، روند نوسازی را در کشور پی گرفتند که از مهم‌ترین آنان باید میرزا محمدحسن خان سپهسالار را نام برد. عدم اختلاف در طریق عقل، زمینه‌ساز بسیاری از تغییرات آشکار و پنهان در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گردید. بی‌تردید تجربه سپهسالار و یقین وی به حاکمیت مردم در نظام سرتاسر استبدادی، زمینه‌ساز عزم وی برای ایجاد ساختمان پارلمان محسوب می‌شود. فرایند تدریجی تکوین اندیشه از طرح مدرسه دارالفنون و ورود مدرسه به سبک نو تا ترجمه متون غربی، از دادوستد تجاری با غرب تا اخذ دیدگاه‌های نو توسط سید جمال‌الدین مسیری طولانی را طی کرد که به موازات آن و به تدریج تغییرات فضایی تهران صورت گرفت.

این تغییرات فکری بازتاب‌های فضایی متناسب خود را در پی داشت که برخی از مؤلفه‌های

آن عبارتند از:

- توسعه فضایی تهران و پنج برابر شدن وسعت شهر ناشی از افزایش جمعیت و شکل‌گیری روابط جدید؛
 - شکل هشت ضلعی باروی جدید و تبعیت شهر تهران از الگوهای فرنگی؛
 - انتقال مرکز شهر از سبزه‌میدان و ارگ به میدان جدید (توپخانه) و کارکردهای نوین این مرکز جدید؛
 - پیدایی مفهومی جدید از خیابان و کاهش نقش و موقعیت محوری بازار در فضای کلی شهر؛
 - شکل‌گیری محلات جدید و مفهوم تازه‌ای از محلات که با الگوی سنتی مغایر بود؛
 - آغاز تغییرات در ساختمان‌ها بر اساس الگوی غرب؛
 - برون‌گرا شدن بناهای عمومی و خصوصی برای اولین بار؛
 - حفظ بافت ارگانیک شهر و شبکه‌های ارتباطی آن در کنار بافت هندسی در مناطق جدید؛
 - ورود وسایل جدید حمل‌ونقل مانند تراموای اسبی و قطار (ماشین دودی)؛
 - احداث دروازه بر اساس نیاز ابزار جدید (ماشین دودی)؛
 - ورود صنایع جدید و مکان‌یابی در شهر تهران و الزامات خاص این صنایع در گزینش مناطق حاشیه‌ای و عدم وابستگی فضایی این گروه صنایع به نزدیکی به بازار سنتی تهران؛
 - احداث بناهایی نظیر مدارس متعدد به شکل جدید و نیز مدرسه سپهسالار و خانه مسکونی او که نیازهای فضایی دوره مشروطه را پاسخگو بود.
- نتیجه آنکه دوره ناصری ضمن اینکه زمینه‌ی یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های دوره معاصر یعنی انقلاب مشروطه را فراهم ساخت، به نوبه خود منشأ تأثیرگذاری فضایی بود که تمامی تغییرات کالبدی در شهر تهران در دوره جدید را به نوعی می‌توان در این مقوله تحلیل نمود.



منابع

- آبادیان، ح. (۱۳۷۴) *مبانی نظریه مشروطیت*، تهران: نشر نی.
- اتحادیه (نظام مافی)، م. (۱۳۷۷) *اینجا طهران است*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- اتحادیه (نظام مافی)، م. و سید احمد سیدی، (۱۳۷۵) «تهران، کانون فرهنگی ایران در عصر قاجار»، مجموعه مقالات تهران پایتخت دوست ساله، ناشر سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران.
- اشرف، الف. (۱۳۵۹) *موانع تاریخی رشد روابط سرمایه‌داری در ایران دوره قاجار*، تهران: نشر زمینه.
- بهنام، ج. (۱۳۸۳) *ایرانیان و اندیشه تجدد*، تهران: نشر فرزاد روز.
- پاکدامن، ب. (۱۳۷۳) *نگاهی کوتاه به شیوه‌ها و گرایش‌های معماری در تهران*، کتاب تهران: انتشارات روشنگران.
- جوهر کلام، ع. (۱۳۵۷) *تاریخ طهران*، تهران: کتابخانه منوچهری، چاپ دوم.
- حبیبی، م. (۱۳۷۳) «تهران پایتخت قاجاریه»، *فصلنامه گفتگو*، شماره ۳.
- _____ (۱۳۷۸) «مکتب اصفهان، دولت قاجار و سبک تهران»، مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهرسازی، ناشر سازمان میراث فرهنگی.
- دهخدا (۱۳۷۳) *لغت‌نامه*، جلد ششم، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید.
- رجبی، پ. (۱۳۵۵) *معماری ایران در عصر پهلوی*، تهران: انتشارات دانشگاه ملی، چاپ اول.
- زیمیل، گ. (۱۳۷۳) «پول در فرهنگ مدرن»، مترجم: یوسف اباذری، *ارغنون*، شماره ۳، سال اول.
- سعیدنیا، الف. (۱۳۷۰) «ساختار تهران معاصر»، مجموعه شهرهای ایران، جلد چهارم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- _____ «کتاب تهران»، جلد پنجم و ششم (مجموعه مقالات)، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ اول.
- سلطان‌زاده، ح. (۱۳۶۸) *واحدها و محله‌های مسکونی شهرهای ایران*، جلد سوم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- شکویی، ح. (۱۳۶۵) *جغرافیای اجتماعی شهرها*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- _____ *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*، جلد اول، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- طباطبایی، ج. (۱۳۶۶) *زوال اندیشه سیاسی در ایران*، تهران: انتشارات کویر، چاپ اول.
- فقیه، ن. (۱۳۵۶) «تاریخچه مختصری از شهر تهران»، *نشریه محله*، هنرهای معاصر تهران.
- فوران، ج. (۱۳۷۸) *تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، مترجم: احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم.
- کاتوزیان، م. (۱۳۷۲) *اقتصاد سیاسی ایران*، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
- کریمان، ح. (۱۳۵۵) *تهران در گذشته و حال*، تهران: انتشارات دانشگاه ملی، چاپ اول.



گرنی، جان. دی، (۱۳۷۵) «تحول شهر تهران در عهد ناصری»، مجموعه مقالات تهران پایتخت دو بیست ساله، زیر نظر شهریار عدل و برنار اورکاد، تهران: ناشر سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، چاپ اول. موریس، ج. (۱۳۷۴) تاریخ شکل شهر، مترجم: راضیه رضازاده، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ دوم. میلانی، ع. (۱۳۷۸) «تجدد و تجدیدستیزی در ایران»، نشریه آتیه، چاپ اول. هلر، آ. (۱۳۷۲) «آونگ تجدد»، مترجم: مراد فرهادپور، کتاب فرهنگ، جلد پانزدهم، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. وبر، م. (۱۳۷۳) شهر در گذر زمان، مترجم: شیوا کاویانی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۴۸

دوره سوم
شماره ۳
پاییز ۱۳۸۹